

دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه‌ی دکتری رشته‌ی تاریخ گرایش محلی

**تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20 میلادی:**

**تحلیل تحولات محتوایی**

استادان راهنما:

دکتر حسین میرجعفری

دکتر لقمان دهقان نیری

استاد مشاور:

دکتر مرتضی نورائی

پژوهشگر:

سجاد حسینی

آذر ماه 1392

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات  
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ








پایان نامه‌ی دکتری رشته‌ی تاریخ گرایش محلی آقای سجاد حسینی

تحت عنوان

تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی: تحلیل

تحولات محتوایی

در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه ..... به تصویب نهایی رسید.

	امضا	با مرتبه‌ی علمی استاد	دکتر حسین میر جعفری	استاد راهنمای پایان نامه	۱-
	امضا	با مرتبه‌ی علمی دانشیار	دکتر لقمان دهقان نیری	استاد راهنمای پایان نامه	۲-
	امضا	با مرتبه‌ی علمی استاد	دکتر مرتضی نورانی	استاد مشاور پایان نامه	۳-
	امضا	با مرتبه‌ی علمی دانشیار	دکتر مرتضی دهقان‌نژاد	استادان داور داخل گروه	۴-
	امضا	با مرتبه‌ی علمی دانشیار	دکتر فریدون الهجاری	استادان داور داخل گروه	۵-
	امضا	با مرتبه‌ی علمی استاد	دکتر شهرام یوسفی‌فر	استاد داور خارج از گروه	۶-
	امضای مدیر گروه				

## چکیده

مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20 م. عرصه ظهور آثار تاریخ‌نگاری محلی متعددی شد. این آثار در محدوده جغرافیایی و زمانی مذکور به دو بخش سنت قدیم و جدید قابل تقسیم است.

سنت قدیم تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سرتاسر قرن 19 م. و اوایل قرن 20 م. با الهام‌پذیری از سنت‌های تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی رایج بود. این روند تا فروپاشی دولت روسیه تزاری تداوم داشت و پس از آن در دوران جمهوری نخست آذربایجان (1918-1920 م.)، تحت تأثیر افکار ناسیونالیستی این دوره گذار، به تاریخ‌نگاری ملی انجامید.

سنت جدید تاریخ‌نگاری محلی منطقه مورد مطالعه، در بعد از این دوره گذار و در دوران اتحاد جماهیر شوروی (1991-1920 م.) و سپس در دوران استقلال مجدد جمهوری آذربایجان (1991 م.) ظهور کرد. در این سنت، عناصر نوین دانش تاریخ‌نگاری محلی، تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و با بهره‌مندی از تجارب تاریخ‌نگاری ملی دوره گذار، شکل گرفت.

این پژوهش بر آن است تا با بهره‌مندی از روش تاریخی و شیوه تبیین توصیفی و تحلیلی، ضمن معرفی سنت‌های قدیم و جدید تاریخ‌نگاری محلی و همچنین آثار تاریخ‌نگاری ملی دوره گذار مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20 م.، به بررسی دلایل ظهور و تحلیل تحولات محتوایی این آثار از منظر تحولات زبان، ساختار و شیوه تبویب، دلیل نگارش، قالب، میزان عینیت و ذهنیت، برخورداری از منابع و مآخذ و همچنین تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در تاریخ‌نگاری بپردازد.

**واژگان کلیدی:** تاریخ‌نگاری محلی، تاریخ‌نگاری ملی، جمهوری آذربایجان، سده‌های 19 و 20 م.، قفقاز جنوبی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۰	پیشگفتار.....
<b>فصل اول: کلیات</b>	
1	1-1- طرح مسئله .....
5	2-1- پرسش‌ها .....
5	3-1- فرضیه‌ها .....
6	4-1- زمینه‌ها و پیشینه پژوهش .....
10	5-1- معرفی و نقد گزیده منابع.....
<b>فصل دوم: جغرافیا، تاریخ و پیشینه تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی</b>	
20	1-2- جغرافیا .....
23	2-2- تاریخ .....
34	3-2- پیشینه تاریخ‌نگاری محلی.....
<b>فصل سوم : سنت قدیم تاریخ‌نگاری محلی</b>	
41	1-3- تاریخ‌نگاری محلی فراولایتی .....
81	2-3- تاریخ‌نگاری محلی شهری - ولایتی .....

صفحه	عنوان
82	1-2-3- آران
181	2-2-3- شیروان
203	3-2-3- طالش

#### فصل چهارم: سنت جدید تاریخ‌نگاری محلی

224	1-4- دوره گذار
235	2-4- تاریخ‌نگاری محلی شهری و ولایتی
236	1-2-4- آران
270	2-2-4- شیروان
302	3-2-4- طالش
312	3-4- تاریخ‌نگاری محلی روستایی
319	نتیجه
322	پیوست‌ها
344	منابع و مأخذ

## فهرست اشکال

صفحه	عنوان
322	شکل 1-1: موقعیت جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز.....
323	شکل 2-1: محدوده جغرافیایی ولایت آران .....
324	شکل 3-1: محدوده جغرافیای ولایت شیروان .....
325	شکل 4-1: محدوده جغرافیایی ولایت طالش .....
326	شکل 1-3 : عباسقلی آقا باکیخانوف.....
327	شکل 2-3: صفحه روی جلد کتاب «ادبیات قدسی».....
328	شکل 3-3: صفحه روی جلد کتاب «تاریخ صافی».....
329	شکل 4-3: صفحه روی جلد کتاب «شکرنامه شاهنشاهی».....
330	شکل 5-3: احمد بیگ جوانشیر.....
331	شکل 6-3: میر محسن نواب و حسنعلی قراداغی .....
332	شکل 7-3: صفحه عنوان روسی کتاب «تذکره نواب» .....
333	شکل 8-3: صفحه نخست کتاب «ریاض العاشقین» .....
334	شکل 9-3: میرزا رحیم فنا .....
335	شکل 10-3: هاکوپ ملیک هاکوپیان .....
336	شکل 11-3: صفحه روی جلد ترجمه ترکی آذربایجانی کتاب «اخبارنامه».....
337	شکل 12-3: صفحه نخست نسخه خطی کتاب «تذکره سعیدیه» .....

صفحه	عنوان
338.....	شکل 4-1: عادل خان زیاد خان .....
339.....	شکل 4-2: محمدمین رسولزاده .....
340.....	شکل 4-3: یوسف بیگ وزیر چمن زمینلی .....
341.....	شکل 4-4: حسینقلی سراپسکی .....
342.....	شکل 4-5: سارا آشوربیگلی .....
343.....	شکل 4-6: عدالت طاهرزاده .....



## پیشگفتار

با ایجاد گرایش‌های جدید دانشگاهی در رشته تاریخ، ضمن تخصصی شدن مطالعات تاریخی، عرصه‌های نوینی از پژوهش به روی محققان تاریخ گشوده می‌شود. ایده پژوهش در موضوع تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی نیز حاصل تخصصی شدن دانش تاریخ در کشورمان است. چرا که این موضوع از یک سو با گرایش نوین تاریخ محلی پیوند خورده است و از سوی دیگر با گرایش جدید مطالعات قفقاز ارتباط دارد. از این رو فعالیت در این عرصه، تخصص در دو گرایش محلی نگاری و قفقاز شناسی را می‌طلبد.

به طور سنتی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی بخشی از جغرافیای تاریخی ایران محسوب شده و به تبع آن بخشی از تاریخ‌نگاری محلی ایرانی در این منطقه رقم خورده است. پژوهشگران تاریخ محلی در ایران، همواره نسبت به مطالعه و پژوهش در عرصه منابع تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی غفلت ورزیده‌اند. نکته جالب توجه دیگر این که حتی در جمهوری آذربایجان به عنوان اصلی‌ترین وارث مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی نیز، پژوهش جامعی در این خصوص صورت نپذیرفته است. از این رو برای جبران این کاستی‌ها، مطالعه و تحقیق در آثار و منابع محلی این منطقه امری ضروری به نظر می‌رسد.

معمولاً مطالعه و تحقیق در زمینه موضوعات تاریخی خارج از محدوده جغرافیای سیاسی ایران کنونی، از آن جمله پژوهش حاضر، کاری به نسبت دشوار است و محققان در این مسیر با مشکلات و مسائل فراوانی رو به رو می‌شوند. از جمله این مشکلات می‌توان به کمبود منابع و مأخذ فارسی و در دسترس نبودن منابع غیرفارسی اشاره داشت. از این رو در گام نخست به شناسایی منابع و مأخذ اصلی فارسی و غیر فارسی در کتابخانه‌های داخلی و خارجی پرداخته شد و بخش قابل توجهی از این منابع از کتابخانه مرکزی تبریز، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی میرزا فتحعلی آخوندزاده جمهوری آذربایجان و کتابخانه دیجیتال دانشگاه تورنتو کانادا به دست آمد. اکثر این منابع به زبان‌های ترکی آذربایجانی و ترکی عثمانی و در سه رسم الخط عربی، سیریلیک و لاتین نگاشته شده و مطالعه و بهره‌مندی از هر کدام سختی‌های مخصوص به خود را داراست.

هر چند تازگی داشتن این پژوهش از مزایای آن به شمار می‌آید، اما همین ویژگی باعث پدید آمدن مشکلی بنام عدم وجود الگوی کار شده است.

روش تحقیق در پژوهش حاضر تاریخی و شیوه تبیین توصیفی و تحلیلی است. به گونه‌ای که ابتدا داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و سپس بر اساس همین یافته‌ها، استنتاج و تبیین به عمل آمده است.

جهت شناخت سنت‌های تاریخ‌نگاری منطقه در دوره زمانی مورد نظر مهم‌ترین منابع تاریخ‌نگاری محلی منطقه در قالب قسمت‌هایی چون شناخت مورخ، توصیف و تحلیل محتوا و سبک تاریخ‌نگاری به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهش حاضر با بهره‌مندی از این روش و جهت تبیین تأثیرپذیری سنت‌های تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20م. از سنت‌های محلی نگاری ایرانی - اسلامی، بررسی تطبیقی سنت قدیم و جدید تاریخ‌نگاری محلی در تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20م. و همچنین بررسی تأثیرپذیری تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20م. از فضای سیاسی حاکم بر این اراضی در سه دوره حاکمیت روسیه تزاری، جمهوری نخست آذربایجان و حکومت شوروی، در چهار فصل ذیل تنظیم شده است:

فصل نخست، تحت عنوان کلیات، از بخش‌هایی چون طرح پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش، زمینه‌ها و پیشینه پژوهش و معرفی و نقد گزیده منابع تشکیل یافته است.

در فصل دوم، ضمن بررسی جغرافیا و تاریخ مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20م.، پیشینه تاریخ‌نگاری محلی این منطقه در پیش از این دوران مورد مطالعه قرار گرفته است.

در فصل سوم سنت قدیم تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20م. در قالب تاریخ‌نگاری محلی شهری - ولایتی و تاریخ‌نگاری محلی فراولایتی بررسی شده است.

در فصل چهارم این پژوهش، سنت جدید تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20م. در قالب دوره گذار، تاریخ‌نگاری محلی شهری و ولایتی و تاریخ‌نگاری محلی روستایی مورد مطالعه قرار گرفته است.

## فصل اول

### کلیات

#### 1-1- طرح مسئله

مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در دوران فترت بعد از قتل نادر شاه (1160 ه.ق./1747 م.) شاهد یک سلسله تغییر و تحولات سیاسی بودند. به زودی تعدادی از حکومت‌های محلی مستقل و نیمه مستقل در قالب خان‌نشین‌ها، والی‌گری‌ها، سلطان‌نشین‌ها و ملک‌نشین‌های کوچک و بزرگ در این بخش از جغرافیای سیاسی ایران قد برافراشتند.

ضعف حکومت مرکزی در ایران با قدرت‌گیری همسایه شمالی، روسیه، همراه و هم‌زمان بود. روس‌ها میل به گسترش اراضی در سرزمین‌های جنوبی امپراطوری خویش را داشتند و در این بین مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی نیز در مسیر این پیشروی قرار گرفته بودند. هر چند مرگ کاترین دوم در سال 1210 ه.ق./1796 م. و به تبع آن

تغییر سیاست‌های کلی دولت روسیه تزاری، و همچنین قدرت‌گیری آقا محمد خان قاجار در ایران، برای مدت کوتاهی مانع از این پیشروی‌ها گشت، اما به زودی بعد از قتل آقا محمد خان و روی کار آمدن فتحعلیشاه و تمایل مجدد روس‌ها به کشورگشایی و جهانگیری، جنگ‌های ایران و روس از سر گرفته شد.

این جنگ‌ها در دو دوره زمانی مجزا صورت پذیرفت و با انعقاد قراردادهای گلستان (1228 ه.ق./1913 م.) و ترکمانچای (1243 ه.ق./1828 م.) حق حاکمیت ایران بر سرزمین‌های شمال رود ارس و از آن جمله مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی ملغی گشت و این سرزمین‌ها جز اراضی دولت روسیه تزاری قرار گرفتند. در تمامی این دوران حکومت‌های محلی منطقه نیز در حالتی برزخی از استقلال طلبی، ایران‌گرایی و روس‌گرایی قرار داشتند.

با استقرار روس‌ها در اراضی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی و بازگشت ثبات بدان، حیات علمی و فرهنگی در آن ادامه یافت و در این میان دانش تاریخ‌نگاری و شاخه محلی این دانش شروع به رشد کرد. مورخان محلی نگار این دوران در زمره مورخان محلی‌نگار دنیای قدیم قرار داشتند و بسان دیگر همکاران ایرانی خود، تحت تأثیر عواملی چون حب الوطن، رقابت‌های قومی و قبیله‌ای، تشویق دوستان و حکمرانان به جمع‌آوری اخبار و اطلاعات محلی پرداختند. چنین وضعیتی در ایالاتی که در آن اقوام مسیحی نیز می‌زیستند بیش از سایر نواحی بود. در این آثار موضوعات منفرد و مستقلی چون مسائل سیاسی و نظامی، جغرافیای تاریخی، طبیعی و انسانی، سرگذشت رجال و مشاهیر، حیات عمرانی و مدنی مورد بررسی قرار می‌گرفت. گذشته‌گرایی از ویژگی‌های این دسته از تواریخ محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی محسوب می‌شد و گرایش و تمایل در این آثار بیشتر رو به گذشته بود. در این آثار نگاه مورخ و دایره مخاطبان، محلی و محدود است. مورخ معمولاً از اهالی محلی است و اغلب از ادیبان، مذهب‌یون و دیوانیان منطقه به شمار می‌رود. بنابراین از دوره مذکور می‌توان تحت عنوان سنت<sup>1</sup> قدیم تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی یاد کرد.

به نظر می‌رسد اوایل قرن 20 م. دوران گذار از تاریخ‌نگاری محلی قدیم به تاریخ‌نگاری محلی جدید در مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی می‌باشد. در این دوران اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی در منطقه مورد بحث به گونه‌ای رقم خورد که این اراضی در قالب جمهوری نوبنیاد آذربایجان استقلال یافت و این بار زمینه برای ظهور آثار محلی متفاوت فراهم شد. این دوره گذار توسط مورخانی رقم خورد که بیشتر تازه کار و غیرحرفه‌ای بودند. گرایش و تمایل در این آثار رو به حال (دنیای معاصر) و آینده است. نگاه مورخ و خوانندگان او فراتر از دایره

1. مراد از سنت در این پژوهش، همان شیوه و روش می‌باشد که در واقع معادل فارسی واژه انگلیسی «tradition» است.

محدود محلی می‌باشد. آرا و اندیشه‌های نوین دنیای آن روزگار، چون دموکراسی، ناسیونالیسم، سوسیالیسم در ایجاد انگیزه در این مورخان بی‌تأثیر نبوده است.

این جریان در سال‌های 1337-1338 ه.ق. / 1918-1920 م. (دوران جمهوری نخست آذربایجان) و سال‌های نخست استیلای شوروی بر این اراضی و ایجاد جمهوری کمونیستی سوسیالیستی آذربایجان شوروی تداوم یافت. در دهه سوم قرن 20 م. و با تأسیس رشته تاریخ در آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، مطالعات تاریخ‌نگاری در شاخه‌های مختلف این دانش به صورت علمی صورت پذیرفت و در این بین گروهی از مورخان دانشگاهی به سوی تاریخ محلی گرایش یافتند.

به زودی آثار محلی توسط این گروه از مورخان در موضوعات محلی مختلف نگاشته شد که البته این جریان از سنت محلی نگاری شوروی نیز تأثیر پذیرفته بود. اتفاقاً همین رویکرد باعث شد تا توجه به اقشار کم‌تر مورد توجه قرار گرفته پیکره جامعه (قاعده هرم، توده‌ها) بیشتر شود. آثار پدید آمده در این دوران ضمن بهره‌مندی از اصول علمی تاریخ‌نگاری، از لحاظ موضوع و محتوا بیشتر در عرض می‌باشد.<sup>1</sup>

دهه پایانی این قرن نیز با استقلال جمهوری آذربایجان از اتحاد جماهیر شوروی و بحران قراباغ رو به رو شد. در این برهه محلی نگاری با رویکردی همگرایانه و با تأکید بر تشابه میان مناطق محلی و دولت ملی شکل یافت.

این پژوهش بر آن است تا با شناسایی منابع تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 19 و 20 م.، به بررسی سنت قدیم و جدید تاریخ‌نگاری محلی در محدوده مکانی و زمانی مذکور بپردازد. بررسی تداوم سنت تاریخ‌نگاری محلی ایرانی - اسلامی، غربی و روسی در این منطقه و تأثیرپذیری تاریخ‌نگاران محلی آن از جریان‌های سیاسی حاکم از دیگر اهداف این پژوهش به شمار می‌آید.

---

1. در این گونه تاریخ‌نگاری‌ها، مورخ محلی موضوع یا موضوعات خاصی را در یک مقطع زمانی مشخص از شهر و روستای خود مورد بررسی قرار می‌دهد. نگاه وی میکرو است و مسائل پیرامون را زیر ذره بین قرار می‌دهد تا از چگونگی ظهور و افول، رشد و نمو، تغییر و تحول، تداوم و انقطاع رویدادها و یا پدیده‌های جامعه اطلاع یابد. در این صورت محدوده فعالیت مورخ بیشتر اجتماعی و اقتصادی است، هر چند می‌تواند سیاسی هم باشد. اما تلاش است که زوایای ناپیدا و پنهان جامعه را نشان دهد و اهمیت وجودی آنها و یا تأثیرات سوء آنها را بازگوید (نورانی، 1390: 5).

### جدول 1-1- تفاوت‌ها و تمایزات سنت قدیم و جدید تاریخ‌نگاری محلی (نوارئی، 1390: 4)

سنت جدید تاریخ‌نگاری محلی	سنت قدیم تاریخ‌نگاری محلی
زمینه‌ها و انگیزه‌های نگارش رشد اندیشه دموکراسی، علایق شخصی، تشویق دوستان، رجال، دستگاه‌های دولتی، احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد، رقابت‌های فرهنگی شهرها، کسب افتخارات شهری و ملی، ملاحظات سیاسی و اجتماعی، وطن‌پرستی، مشارکت اجتماعی	زمینه‌ها و انگیزه‌های نگارش رشد شهرها و نواحی، علاقه شخصی و علمی، تشویق دوستان یا حکمرانان، رقابت‌های مذهبی، شهری، عشیره‌ای و حزبی، شعوبیگری، کسب ثواب و اجر اخروی، ملاحظات فقهی و دینی (کلامی)، علاقه به شهر و دیار، جمع کردن اخبار و اطلاعات در مورد شهر
موضوعات جنس موضوعات میدانی و اندامواره‌ای آموزشی، اجتماعی، اداری، دینی، اقتصاد و معیشت، کشاورزی و زمینداری، اصناف و صنعت، تجارت، امنیت، بهداشت و تغذیه، خانواده، سیاست و قانونگذاری، شهر و شهرسازی، فرهنگ و هنر، قضایی	موضوعات جنس موضوعات منفرد و مستقل اقلیم و جغرافیای شهرها، عجایب و راه‌ها، سرگذشت‌نامه‌های رجال سیاسی، دیوانیان، قضات، اهل محل و غربا، زندگی شعرا، محدثان و فقیهان، طبقات صوفیه، اصناف و محلات، امور حکمرانی (سیاست)، تاریخ سیاسی، فرهنگی و اخلاقی، خانواده، شهر و شهرنشینی
فلسفه، روش و کارکرد همگرایی و تشابه بیشتر با شیب گذشته‌گرایی کم؛ معاصرکاری (روش‌شناسی عرضی) مشارکت در امر توسعه در سطوح مختلف	فلسفه، روش و کارکرد واگرایی و تمایز بیشتر با شیب گذشته‌گرایی زیاد؛ از دوره‌های اسطوره‌ای (روش‌شناسی طولی) ارتقاء اخلاقی، اغناء احساسات محلی در ابعاد مختلف
نویسندگان روشنفکران، مورخان حرفه‌ای و آماتورها، الزاماً نه اهل محل	نویسندگان مورخان محلی و از رجال دینی شهر، مستوفیان، الزاماً اهل محل
نگاه و چشم‌انداز نگاه محلی در عین نگاه به تاریخ ملی تمایز از فولکلور	نگاه و چشم‌انداز نگاه محلی ترکیبی با فولکلور
خوانندگان دایره وسیع، متنوع و متفاوت خوانندگان	خوانندگان دایره محدود خوانندگان
منابع مشاهده (تحقیقات میدانی)، تاریخ شفاهی <sup>1</sup> ، منابع آرشیوی، روزنامه‌ها	منابع نقل قول، مشاهده، تواریخ عمومی، اسناد دیوانی

1. تاریخ شفاهی به عنوان یک روش و فن در تاریخ‌نگاری زاینده عصر روشنگری و پیدایش و ظهور رشته‌های علمی چون جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است که برای اولین بار در سال 1327 ه.ش. / 1948 م. توسط پروفیسور آلن نونیز (Alen Nevins) در دانشگاه کلمبیا پایه‌گذاری شد و با استفاده از ضبط صوت اولین طرح در زمینه تاریخ شفاهی را با هدف گردآوری خاطرات سیاسی گروهی از شخصیت‌های سیاسی به اتمام رسانید. اصطلاح تاریخ شفاهی یا Oral history از این زمان متداول و رایج شد. تاریخ شفاهی در واقع مجموعه گفتگوها با افراد مطلع است که منجر به تولید اطلاعاتی می‌شود که بر اساس خاطره فرد مصاحبه‌شونده، در قالب کلمات شفاهی بیان و ضبط می‌گردد. استخراج و ثبت این گفتگوها (صدای گذشته) و به بیان دیگر ریختن اصوات مختلف در قالب واژه‌های نوشتاری، کاری است که در مرحله نخست تاریخ‌نگاری شفاهی صورت می‌گیرد (احمدی، 1386، 32، 33؛ نوارئی، 1385: 148، 149).

## 1-2- پرسش‌ها

- 1- سنت قدیم و جدید تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در کدام برهه از تاریخ این سرزمین ظهور کرد؟
- 2- سنت قدیم تاریخ‌نگاری محلی در مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در دوره مورد بحث از چه لحاظ تحت تأثیر سنت‌های تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی بوده است؟
- 3- تعدد و اهمیت حوادث و رویدادهای تاریخی در دوره مورد بحث چه تأثیری بر روند تاریخ‌نگاری محلی در این منطقه داشته است؟
- 4- چرا دولت روسیه تزاری از تاریخ‌نگاری محلی در منطقه مورد بحث حمایت می‌کرد؟

## 1-3- فرضیه‌ها

- 1- فروپاشی نظام تزاری پایان سنت قدیم و آغاز سنت جدید محلی نگاری در این منطقه به شمار می‌آید.
- 2- بسیاری از منابع مربوط به سنت قدیم تاریخ‌نگاری محلی در مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در دوره زمانی مورد بحث از لحاظ زبان و قالب و محتوا به تقلید از آثار تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی نگاشته شده‌اند.
- 3- تعدد و اهمیت حوادث و رویدادهای تاریخی در سده‌های 19 و 20م. در مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی یکی از عوامل شکل‌گیری تاریخ‌نگاری محلی این منطقه محسوب می‌گردد.
- 4- دولت روسیه تزاری جهت مرتفع ساختن نیازهای اطلاعاتی خویش به صورت مستقیم و غیرمستقیم از تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در قرن 19م. حمایت می‌نمود.

## 1-4- زمینه‌ها و پیشینه پژوهش

تا کنون اثر جامعی در موضوع مورد پژوهش در ایران و جمهوری آذربایجان نوشته نشده است. تنها تعداد معدودی از کتب و مقالات علمی گوشه‌ای از این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند که این تحقیقات از جامعیت کافی برخوردار نمی‌باشند. از جمله این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

### “Azərbaycan tarixi üzrə qaynaqlar” (منابع تاریخ آذربایجان):

سلیمان علی‌یاری، پژوهشگر تاریخ جمهوری آذربایجان، در این اثر، منابع تاریخ‌نگاری این جمهوری را مورد مطالعه قرار داده است. کتاب مذکور از چهار فصل تحت عنوان تاریخ قدیم آذربایجان تا قرن 4م، منابع تاریخی آذربایجان در قرون 12-4م، منابع تاریخی آذربایجان در قرون 18-13م. و اسناد قرن 19م. تشکیل شده است.

در یکی از بخش‌های فصل سوم کتاب، سه مورد از منابع تاریخ‌نگاری محلی مسلمان نشین‌های قفقاز جنوبی شامل «قراباغ‌نامه» میرزا آدی‌گوزل بیگ، «تاریخ قراباغ» میرزا جمال جوانشیر قراباغی و «تاریخ مختصر خان‌های شکی» کریم آقا فاتح، بررسی شده است. این بررسی شامل شناخت مورخ و شرح مختصر محتوای آثار می‌شود. علاوه بر این بخش‌هایی از منابع مذکور عیناً در این کتاب انعکاس یافته است. این مطالب چیزی جز گردآوری داده‌های تاریخی و اقتباس از منابع تحقیقاتی نمی‌باشد.

علی‌یاری در این بخش از کتاب به صورت کامل از مقدمه‌های علمی محققان و پژوهشگرانی بهره برده است که پیش از او اقدام به تصحیح، ترجمه و انتشار سه اثر فوق نموده‌اند.

بنا بر نظر مؤلف این منابع در زمره «میراث تاریخ‌نگاری آذربایجان» قرار می‌گیرد. انتخاب این عنوان از خاستگاه قومی مورخان و محدوده مکانی پژوهش ایشان نشأت می‌گیرد. چرا که همگی ایشان دارای خاستگاه آذری هستند و به پژوهش در اراضی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان) پرداخته‌اند.

### “Qarabağnamələr Azərbaycan tarixini öyrənmək üçün mənbə kimi”

#### (قراباغ‌نامه‌ها منابعی برای شناخت تاریخ آذربایجان):

یونس حسین‌اف، پژوهشگر تاریخ جمهوری آذربایجان، در این اثر تعدادی از منابع تاریخ‌نگاری مرتبط با تاریخ محلی قراباغ را مورد بررسی قرار داده است. منابع مورد مطالعه وی، همان آثاری هستند که در قالب مجموعه



«قرباغ نامه‌ها» در جمهوری آذربایجان به چاپ رسیده‌اند.<sup>1</sup> هر چند گردآوردندگان این مجموعه، آثار مذکور را از لحاظ قالب و محتوا، آثاری یک دست تصور کرده‌اند، اما حقیقت امر این است که این آثار کاملاً همگون نمی‌باشند. برخی از آن‌ها چون «تاریخ صافی» میرزا یوسف قرباغی و «گلستان ارم» عباسقلی آقا باکیخانوف<sup>2</sup> در زمره تاریخ‌های محلی شهری- ولایتی قرباغ جای نمی‌گیرند و از لحاظ محتوا، جزئی از تاریخ‌های محلی فراولایتی قفقاز محسوب می‌شوند. برخی نیز مانند «تاریخ شهر شوشی» حسن اخفا علیزاده، متفاوت با سایر منابع موجود در این مجموعه، به سنت قدیم تاریخ‌نگاری محلی قرباغ مربوط نمی‌شود و جزئی از منابع سنت جدید تاریخ‌نگاری محلی قرباغ به حساب می‌آید. حسین‌اف نیز مانند بسیاری از محققان جمهوری آذربایجان اشتباه گردآوردندگان مجموعه «قرباغ نامه‌ها» را تکرار کرده و با یک دست انگاشتن این آثار به مطالعه و بررسی آنها پرداخته است.

مؤلف در فصل نخست کتاب، قرباغ نامه‌های مذکور را از منظر منبع‌شناسی بررسی کرده است. در فصل دوم و سوم، مسائل داخلی و خارجی خان‌نشین قرباغ بر مبنای اطلاعات مندرج در این منابع تدوین شده است. هدف مورخ از نگارش این دو فصل، شرح محتوای این آثار با دیدی انتقادی و تطبیقی می‌باشد.

نویسنده در این اثر با رویکردی همگرایانه، تاریخ‌های محلی قرباغ را به چشم پازل‌هایی نگریسته است که با قرار گرفتن در کنار همدیگر به تاریخ ملی جمهوری آذربایجان می‌انجامد.

### “Şəkinin tarixi qaynaqlarda” (تاریخ شکی در منابع):

عدالت طاهرزاده، پژوهشگر تاریخ جمهوری آذربایجان، در این اثر ضمن گردآوری تاریخ‌های محلی ولایت شکی در قرون 19 و 20م، شامل «تاریخ مختصر خان‌های شکی» کریم آقا فاتح، «در بیان احوالات سلسله خوانین سلف شکی» حاجی سید عبدالحمید افندی، «معلومات مختصر درباره تاریخ حکمرانی در قضای شکی» میر عباس میرباقرزاده و «شکی در گذشته و حال» علی اشرف کریم‌اف، به نقد و بررسی هر یک از این آثار پرداخته است.

1. مجموعه «قرباغ نامه‌ها» شامل آثار ذیل می‌باشد: «قرباغ نامه» میرزا آدی گوزل بیگ، «تاریخ قرباغ» میرزا جمال جوانشیر قرباغی، «درباره وضعیت سیاسی خان‌نشین قرباغ در سال‌های 1805-1747» احمد بیگ جوانشیر، «تاریخ صافی» میرزا یوسف قرباغی، «کتاب تاریخ قرباغ» میرمهدی خزانی، «حکومت پناه خان و ابراهیم خان در ولایت قرباغ» رضا قلی بیگ، «تاریخ جدید قرباغ» میرزا رحیم فنا، «احوال قرباغ» بهارلی، «تاریخ شهر شوشی» حسن اخفا علیزاده، «کیفیت و اوضاع قدیم و جدید ولایت قرباغ، اکثر وقایع و حکایات ایام حکومت پناه خان، ابراهیم خان و مهدیقلی خان» حسنعلی قراداغی و فصل پنجم «گلستان ارم» عباسقلی آقا باکیخانوف.

همچنین در این کتاب، تاریخ حوادث مهم مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سده‌های 18 و 19م. با تأکید بر حوادث ولایت شکی و نمونه اشعار شعرای قدیم و جدید در موضوع شهر و ولایت شکی آورده شده است.

این اثر به دلیل ارائه منابع تاریخ‌نگاری محلی شکی که برخی از این منابع تنها در قالب نسخ خطی و چاپی کم‌یاب بوده‌اند، و همچنین تلاش محقق در راستای ارائه زندگی‌نامه مورخان محلی‌نگار شکی و توصیف و تحلیل منابع ایشان بسیار ارزشمند و مغتنم می‌باشد.

### “Mir Mehdi Xəzəninin kitabı-tarixi-Qarabağ əsərinin öyrənməsi və tədqiqi tarixindən» (شناخت و بررسی کتاب تاریخ قراباغ میر مهدی خزانلی):

سامیر حسن‌اف، پژوهشگر تاریخ جمهوری آذربایجان، در این اثر به معرفی کتاب تاریخ قراباغ میر مهدی خزانلی پرداخته و اهمیت این اثر در راستای شناخت تاریخ منطقه قراباغ را مورد بررسی قرار داده است. مؤلف در این مقاله سعی کرده تا به پیشینه پژوهش در این عرصه بپردازد و استقلال این اثر از «قراباغ‌نامه» میرزا آدی‌گوزل و «تاریخ قراباغ» میرزا جمال جوانشیر قراباغی را به اثبات برساند.

وی با رویکردی همگرایانه به شرح محتوای «کتاب تاریخ قراباغ» پرداخته و مطالب مندرج در آن را دلیلی بر هویت آذربایجانی منطقه قراباغ قلمداد کرده و ادعاهای آرامنه در این خصوص را مردود دانسته است.

حسن‌اف در نگارش این مقاله از تعداد محدودی از منابع و مآخذ تاریخ‌نگاری، شامل چندین قراباغ‌نامه و تعدادی منبع تحقیقاتی روسی، استفاده کرده است. چنین استنادات محدودی از سوی محققان جمهوری آذربایجان که امکان دسترسی ایشان به طیف وسیعی از منابع و مآخذ مرتبط با تاریخ منطقه وجود دارد به هیچ وجه قابل قبول نیست.

### «گذری بر اندیشه‌ها و آثار عباسقلی آقا قدسی (باکیخانوف)»:

رحیم رئیس‌نیا، پژوهشگر تاریخ آذربایجان، در این مقاله به معرفی عباسقلی آقا باکیخانوف و آثار و اندیشه‌های وی پرداخته است. نگارنده بحث را با توصیف فضای تاریخی حاکم بر خان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در اواخر قرن 18م. و اوایل قرن 19م. آغاز کرده است. در این بین تأکید عمده وی بر خان‌نشین باکو بوده است. دلیل این تأکید، انتساب باکیخانوف به شاخه‌ای از خاندان خوانین باکو می‌باشد. در ادامه، مقاله حول موضوع زندگی و آثار باکیخانوف تداوم یافته است. در پایان نیز کتاب «گلستان ارم» باکیخانوف به صورت مجزا و به شکلی نسبتاً مفصل معرفی شده است.

هر چند مورخ در عنوان مقاله مدعی است که سعی در شناسایی اندیشه‌ها و آثار باکیخانوف دارد، اما او از میان تمام آثار باکیخانوف تنها به بررسی نسبتاً مفصل و نه کامل «گلستان ارم» بسنده کرده و بدین ترتیب از بررسی عمیق سایر آثار باکیخانوف که بخش اعظمی از افکار و اندیشه‌های او در قالب آن انعکاس یافته، غفلت نموده است. این در حالی است که موضوعات فرعی و نه چندان مرتبط با عنوان مقاله، چون نقش باکیخانوف در مصادره کتاب‌های بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، بخش قابل توجهی از متن مقاله را اشغال کرده است.

در کل تسلط کامل رئیس‌نیا بر تاریخ منطقه و بهره‌مندی او از منابع و مآخذ معتبر تاریخ‌نگاری ایران و جمهوری آذربایجان در نگارش این مقاله قابل ستایش است.

### «نقد و بررسی قراباغ نامه‌ها»:

الخان قلی‌یف، محقق تاریخ جمهوری آذربایجان، در این مقاله اطلاعاتی در خصوص سه اثر تاریخ‌نگاری محلی منطقه قراباغ شامل قراباغ‌نامه‌های میرزا آدی گوزل بیگ، میرزا جمال جوانشیر قراباغی و احمد بیگ جوانشیر و ترجمه حال مورخان این آثار ارائه داده است. قلی‌یف با نگارش پانوشتهایی به توضیح برخی از اعلام و اصطلاحات ناآشنا و نامفهوم برای مخاطبان فارسی‌زبان پرداخته است.

هر چند داده‌های مذکور به دلیل تازگی داشتن برای مخاطب فارسی زبان در آن دوره زمانی بسیار مغتنم بوده است، اما حقیقت امر این است که این مقاله چیزی بیش از ترجمه مقدمه موجود در جلد نخست مجموعه «قراباغ نامه‌ها» نیست.

### «تاریخ قراباغ و ترجمه انگلیسی آن»:

حسین احمدی، محقق عرصه مطالعات قفقاز، در این مقاله به معرفی نسخه‌های مختلف «تاریخ قراباغ» میرزا جمال جوانشیر قراباغی، نقد و بررسی آن و شرح سرگذشت مورخ پرداخته است. مطالعه تطبیقی «تاریخ قراباغ» میرزا جمال با «قراباغ نامه» میرزا آدی گوزل بیگ بخش دیگری از این پژوهش می‌باشد.

مؤلف در ادامه این مقاله ضمن معرفی ترجمه انگلیسی «تاریخ قراباغ»، کاستی‌های جرج بورنوتیان<sup>1</sup> در ترجمه این اثر را گوشزد نموده است.

احمدی در نگارش این مقاله دچار اشتباهات فاحشی شده است. برای نمونه وی از کتابی تحت عنوان «قرباغ نامه‌گر» اثر میرزا آدی گوزل بیگ یاد می‌کند. این در حالی است که عنوان کتاب این مورخ تاریخ محلی قرباغ، «قرباغ نامه» می‌باشد و عبارت «قرباغ نامه‌گر» (قرباغ نامه‌ها) در ادبیات علمی جمهوری آذربایجان برای نامیدن طیف وسیعی از منابع تاریخ محلی قرباغ در قرن 19م. کاربرد دارد. نویسنده متأثر از برخی از منابع کم اعتبار و با نادیده گرفتن اطلاعات موجود در قرباغ نامه‌های معتبر، از پناه خان، مؤسس خان‌نشین قرباغ، با عنوان «جارچی» یاد کرده است.

احمدی در این مقاله خود را مقید و موظف به ارائه استنادات نکرده و در اغلب موارد تخصصی‌ترین اطلاعات تاریخی بدون ارجاع به منبع و مأخذ مشخصی بیان شده است.

### 1-3- معرفی و نقد گزیده منابع

به دلیل نقد و بررسی کامل منابع تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در سه فصل آتی پژوهش حاضر، از تکرار مجدد آن در این بخش صرف نظر شده و در این مجال تنها تعدادی از منابع ثانویه به کار رفته در این تحقیق، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. این منابع را می‌توان در چند دسته شامل آثار تاریخ‌نگاری، جغرافیایی، دانشنامه‌ای، فهرست‌نویسی و کتاب‌شناسی تقسیم بندی کرد.

در این بین منابع تاریخ‌نگاری از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشند که از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

#### “Azərbaycan tarixi” (تاریخ آذربایجان):

مجموعه هفت جلدی «تاریخ آذربایجان»، تاریخ رسمی جمهوری آذربایجان و انعکاس‌گر دیدگاه رسمی این دولت نسبت به گذشته تاریخی‌اش می‌باشد. مورخان انستیتو تاریخ عباسقلی آقا باکیخانوف، آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، در این اثر تاریخ این سرزمین را از کهن‌ترین ادوار تا سال 1381 ه.ش. / 2002م. مورد بررسی قرار داده‌اند.

در جلد نخست این کتاب، به موضوع تاریخ جمهوری آذربایجان از آغاز تا ربع نخست قرن 3م، در قالب فصولی چون آذربایجان در عصر حجر، آذربایجان در عصر برنز، نخستین دولت‌ها در اراضی آذربایجان و اراضی